

یادداشت روز

در حاشیه مناظره جنجالی «هفت»

«فرح بخشیدن»؛ اما نه به هر قیمتی



«**دانش اقباشاوی**
کارگردان فیلم «تاج محل»»

بسم الله الرحمن الرحيم / وبشرالذین یستمعون القول فیتبعون احسنه / در مناظره جمعهشب مورخ ۲۸ تیر سال ۱۳۹۲ که با حضور آقای هایمون اسعدیان کارگردان و رییس کانون کارگردانان خانه سینمای ایران و آقای حسین فرحبخش تهیه‌کننده سینما برگزار شد، از سوی آقای فرحبخش، اظهار نظرها، توهین‌ها و تهمت‌هایی در حق خانواده سینمای ایران مطرح شد که قلب هر انسان مطلعی از احوال اهالی سینمای ایران را به درد می‌آورد، و بدیهی است که بنده نیز که از سنین نوجوانی مخفیتر به تلمذ و رشد در مکتب نجیب، شریف و متعهد سینمای فرهیخته ایران بوده‌ام، به عنوان یکی از سینماگران جوان این مرز و بوم از سویی به قول آقای اسعدیان اینکه عموم ببیندگان محترم برنامه هفت با ادبیات و نگرش آقایان مدعی از نزدیک آشنا شدند، خرسندم، ولی از سویی دیگر وظیفه فرزندی خود می‌دانم که درمقابل توهین آشکار به حیثیت و اعتبار خانواده‌ام بی‌نیاز به یادآوری مجدد آن اظهارات به راستی فرحبخش! عکس‌العملی در شأن خانوادگی خود داشته باشم. جناب آقای فرحبخش، لطفا با بعضی از اعضای خانواده من که روز پنجشنبه مورخ ۲۷ تیر در آستانه در خانه ایستاده بودند آشنا شوید.

۱. تصویرگر شرافت، جناب آقای علیرضا داوودنژاد خالق آثار نجیبی چون نازنین، نیاز، مصایب شیرین، مرهم، کلاس هنرپیشگی...

۲. سراینده شاعرانه‌های نجیب اجتماعی، سرکار خاتم رخشسان بنی‌اعتماد خالق آثار شریفی چون تمرکز، ورسوری آبی، ترگس، این فیلم‌ها رو به کی نشون می‌دید، بالوی اردبیشتم، ما نیمی از جمعیت ایرانیم، زیر پوست شهر...

۳. روزمنده غیور جناب آقای عبدالحسن برزیده خالق حماسه‌هایی چون دکل و پرواز خاموش و فرماندهی واقعی در طول هشت سال حماسه واقعی دفاع مقدس...

۴. هنرمند بیشتاز، جناب آقای رسول صدرعاملی که همراه امام امت در ۱۲ بهمن ۵۷ متعهدانه به ایران بازگشت و یک هفته بعد از پیروزی انقلابی که علیه ابتدال بود اولین فیلم سینمایی این مملکت را تهیه کرد، یادتان نیست؟ اسمش خونبارش بود...



۵. هنرمند دردمند، جناب آقای، کیومرث پوراحمد، خالق قصه‌های مجید، همین کافی است. ۶. فرهیخته هنرمند، جناب آقای هایمون اسعدیان خالق طلا و مس، بوسیدن روی ماه. ۷. فیلمساز محبوب جناب آقای، کمال تبریزی از فاتحان لانه جاسوسی و خالق کودک و اسلحه، لیلی با من است، مهرمادری و...

۸. افتخار ملی، جناب آقای، اصغر فرهادی. و عموها و دایی‌ها و برادرها و خواهرها و خاله‌ها و عمه‌هایم همچون احمدرضا درویش، تقی علی‌قلی‌زاده، ابراهیم حاتم‌کیا، امیر اثباتی، رضا کیانیان، سیدرضا میرکریمی، رویا تیموریان، مهتاب کرامتی، پرویز پرستویی، منوچهر شاهسواری، محمدرضا هنرمند، مسعود رایگان، داریوش فرهنگ، محسن شادابراهیمی، حمیدرضا پگاه، محسن عبدالوهاب، آتیلا پسیانی، مجتبی راعی، منوچهر محمدی، مازیار میری، آناهید آباد، مریم هژبروند، مصطفی احمدی، محمدرضا مویینی، محمدمهدی عسگرپور، سیدغلامرضا موسوی، حسن کریمی، مهدی فقیهمزاده، مهران کاشانی، مجتبی میرتھماسب، بهرام عظیم‌پور، فرهاد توحیدی، هانیه توسلی، علی اوسونود، بهمن فرمان‌آرا، مجید بزرگر، پیروز کلاتری، یالله نجفی، بهمن ارلان، محمد الادیوش، محمودیارمحمدلو، پگاه اهنگرانی، مهوش شیخ‌الاسلامی، ماجد نیسی، سیدحسین علم الهدی، رخساره قائم‌مقامی، علی علایی، کیوان کثیریان، ابراهیم شبیانی، رضا درمیشیان، محسن قرائی، بهروز شعبی، ایما استمراری، درنا مدنی، زینت رضا، سهیل رحیمی، طناز طباطبایی، داریوش میرزایی و...

و این سیاهه اسامی پر افتخار خانواده‌ام می‌تواند تا پنج‌هزار و بیشتر ادامه یابد...

جناب آقای فرحبخش، فرح بخشیدن به مردم امر پسندیده‌ای‌است اما نه به هر قیمتی، از همان روز ۱۲ بهمن ۵۷ اماممان در بهشت‌زرا تکلیف این سینما را روشن کردند: ما با سینما مخالف نیستیم، با فحشا مخالفیم. راستی آقای فرحبخش! ثمه جمعه در سال گذشته فیلم چه کسی را مروج فحشا دانستند؟ تا جایی که به خاطر دارم هیچ‌کدام از خانواده من که اسامی‌شان را بردم خالق آن فیلم نبودند، یادتان آمد؟ اسم آن فیلم خصوصی بود و کارگردانش شما بودید. * این یادداشت بعد از مناظره به دست ما رسید که به دلیل کمبود جا اینک منتشر می‌شود

شرق، فرزانه ابراهیم‌زاده: «علیرضا افتخاری» می‌گوید که «ما به مردم بدهکاریم و باید به آنها جوابگو باشیم. باید اختلاف‌های میان هم را به پایان ببریم» او روز سه‌شنبه نامه‌ای خطاب به «محمدرضا شجریان» نوشته تا آنچنان که خودش هم در این نامه متذکر شده و به «شرق» گفته است؛ به کدورتی که چند سال است میان او و استاد آواز ایران پیش آمده پایان دهد. ریشه این کدورت از کجا آغاز شده یا چه حوادثی پیش آمده تا این دو خواننده سرشناس و پرطرفدار از هم دلگیر شوند خصوصی‌تر از آن است که در حوزه رسانه مطرح شود. اما حالا بعد از چند سال این افتخاری است که با پیش گذاشته تا این اختلاف تمام شود

و بار دیگر این دو استاد موسیقی در کنار هم قرار بگیرند، افتخاری می‌خواهد منتظر باشد تا واکنش شجریان را ببیند و ترجیح می‌دهد که حرف‌ها را برای بعد از آن بگوید اما می‌گوید: «روزهای روهر و اسیدوار، می‌دانم با آمدن آقای روحانی فضا روشن‌تر می‌شود. به خاطر همین فضا هم هست



علیرضا افتخاری

هر چند تا زمان تنظیم این گزارش هیچ واکنشی از سوی محمدرضا شجریان و شرکت «دل‌آواز» مرکز رسمی انتشار آثار او منتشر نشد. نامه علیرضا افتخاری که به طور اختصاصی در اختیار خبرگزاری «ایسنا» قرار گرفته بود؛ این مضمون نوشته شده است: «ما آجر نیستیم که بمائیم. عمری از ما گذشته است. باید هر کدام در نوای هم بخوانیم. ما یک جمع خانواده‌ایم. ما باید اسم همدیگر را صدا بزنیم. ما

زیر آسمان فیروزه‌ای

نامه علیرضا افتخاری به محمدرضا شجریان:

خود را به من بنما، پیغامت زیباست



محمدرضا شجریان

باید همایون هم باشیم. ما نباید ورود را از هم ببوشانیم و اجازه گذر را به یکدیگر ببندیم. ما از همدیگر می‌ترسیم. ما در یک باغ هستیم. با افکار یک درخت پربار باید سرزنده و شاداب، از دور یکدیگر را صدا بزنیم.

نزدیک هم بیاییم با محبت. چرا دستخط‌هامان برای هم خوانا نیست. صدا بزن مرا. نزدیک‌تر بیا. چرا هوا را آنچنان برای هم سرد کرده‌ایم که باید در دیدارهایمان با پالتوی زمستانی باشیم. نباید دیگران برای ما تصمیم بگیرند، کدام‌طرف برو، کدام طرف نرو! افتخاری در بخش دیگری از این نامه با بیان اینکه همیشه در مراسم ختم یکدیگر را می‌بینیم، نوشته است: «ما همیشه در عزای همدیگر جمع

قهر «احسان شریعتی» پایان یافت

اولین حضور پسر در موزه پدر



احسان شریعتی (وسط) در جمع بازدید کنندگان موزه شریعتی

دارد و گاهی دیده می‌شود حرف‌های انتقادی زیادی پیرامون شریعتی هست منتها برخی از پیامک‌های ارسالی فارغ از انتقاد، توهین‌آمیز هستند و به‌نظر می‌رسد تلاش سیستماتیکی در این زمینه وجود دارد.» او با مقایسه شرایط جامعه در زمان شریعتی و وضعیت امروز ادامه داد: «با این میراث و پشتوانه‌ای که داریم نباید ناامید باشیم چون شرایط در مقایسه با دوران شریعتی خیلی بهتر است. در نسل دهه ۶۰ و ۷۰ ندام ارزش‌ها و ارزش‌های تاریخی را می‌بینم که ظرفیتی قوی برای حل مشکلات امروزی است تا شیوه زیست، اخلاق و منش ما دچار تلنگر شود.»

او همچنین در پاسخ به نقش شریعتی در تحولات اجتماعی پیش از انقلاب گفت: «شریعتی اعتقاد داشت باید یک کار دراز مدت فرهنگی کرد و اموری را که منجر به آگاهی‌بخشی فرهنگی می‌شد، پیشنهاد می‌داد. به همین دلیل اعتقادی به ایجاد جو در جامعه نداشت.» **نمایش عکس** در همان اتاقی که محل برگزاری این نشست است، عکس‌ها و اسنادی از زندگی شریعتی نیز به نمایش گذاشته شده‌اند. این اسناد در نمایشگاهی با عنوان «با شب، تنها، نشسته، خاموش» ارائه شده‌اند که شامل تصاویری از آخرین روزهای اقامت شریعتی در انگلستان به همراه آخرین گذرنامه و آخرین کتاب‌های او هستند. یکی از اسنادی که شاید دین آن برای بسیاری از بازدیدکنندگان جلب توجه کرده، پاسپورتی است که شریعتی با آن از ایران خارج شده بود. نام شریعتی در این پاسپورت «علی مزینانی» درج شده است و به همین دلیل روایت‌هایی را که عنوان شده بود، شریعتی با پاسپورتی با نام خودش از کشور خارج شده است، رد می‌کند. همچنین در کنار عکس‌ها، دوربین فیلمبرداری به نمایش گذاشته شده که به گفته احسان شریعتی لحظاتی از زندگی پدرش را در روزهای پس از آزادی از زندان ثبت کرده است.

او در پاسخ به «شرق» درباره بعد تصویری چهره شریعتی که در جامعه وجود دارد، گفت: «متأسفانه تا به حال همه عکس‌هایی که از شریعتی وجود دارد، به نمایش گذاشته نشده است. حتی فیلمی از زندگی او نداریم، جز فیلمی که با دستگاه فیلمبرداری که از حج آورده بود گرفته شده و بعد از آزادی از زندان

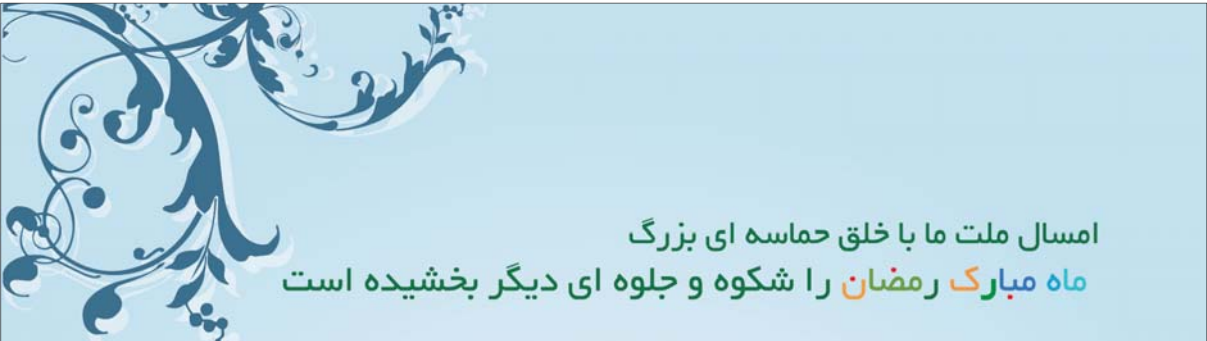
می‌شویم آن هم با لباس‌های شیک. اما حیف کسی نیست برای خودمان شعر بگویید. کسی نیست ترقفای به زمین بزند تا همه از حصارِی که سرمای وجودمان را احاطه کرده، بیدار شویم. من چرا در گذر وجود شما از کنار جدول‌های دسته‌جمعی بگذرم، آن هم غریب و تنها، دوست دارم یکی مر صدا بزنم با اسم کوچک رضا، رضا، رضا! او از شجریان دعوت کرده است که روزدرویی یکدیگر قرار بگیرند و با همدیگر صحبت کنند: «خود را به من بنما. پیغامت زیباست اما خود را بنما. ما ته خط رسیدیم. یکی ۷۲ سال، یکی ۸۲ سال. حال یکی کمتر، یکی بیشتر. چیز دیگری از راه مرگ نمانده است. کمی پای گرمای هم بنشینیم. این بهترین یادگاری است که برای هم می‌نویسیم. محمدرضا شجریان دوستت داریم. اما نه با پیغام، خود را در لای یادداشت وزین‌ات نیچج. غربی نکن. می‌دانم هوا سرد است. خیلی سرد است. هوا مه‌آلود است. نه آفتابی، نه خورشیدی، نه آتشی. بیا سکوت را بشکن با نوای خود.»

او سپس به ناقص بودن اسناد تصویری از شریعتی اشاره کرد: «مجموعه فیلم‌ها یا عکس‌های کاملی که معرف ابعاد مختلف شخصیت او باشد، نداشته‌ایم و به همین دلیل سعی ما براین است با جمع‌آوری عکس‌های پراکنده، تصویر کامل‌تری از دوران‌های زندگی شریعتی به نمایش بگذاریم. البته تاکنون ۴۵۲ عکس جمع‌آوری شده اما هنوز مجموعه ما ناقص است. بیشتر اسنادی که از او به نمایش درآمده است، پوسترا و اسنادها بوده‌اند.»

اقان که پخش می‌شود، همه به دور میزی که برای افطار چیده شده است، می‌نشینند. هرچند در اینجا هم بیشتری‌ها دوست دارند نزدیک احسان شریعتی باشند و درباره خاطرات پدرش صحبت کنند. این صحبت‌ها تا زمانی که او در خودرو بنشینند ادامه دارد و بازدیدکنندگان با این امید که قرار است نشست‌های دیدار با خانواده شریعتی در این خانه موزه ادامه پیدا کند، بنای خیابان جلالزاده را ترک می‌کنند.



نیما توسلی: بعد از رکورد یکمیلیارددلاری فصل بهار در حراج‌های نیویورک، سطح فروش حراج هنر معاصر در حراج تایلستانه ساتبیز و کریستیز در لندن هم بالاتر رفته، اما از وضعیت بازار هنر در هفته‌های گذشته چه درس‌هایی آموختیم؟ دو حراج ساتبیز و کریستیز، در مجموع برای برنامه فروش هنر معاصر و پس از جنگ ۲۸۵میلیون دلار فروختند که در مقایسه با سال قبل ۲۲درصد کاهش داشت. سال قبل، این دسته آثار ۲۶۸میلیون دلار فروش رفته بود. البته، بخش هنر امپرسیونیسم و مدرن در مجموع افزایش داشته و از ۱۸۰میلیون دلار به ۲۲۹میلیون دلار ارتقا یافته است. موسسه حراج کوچک فیلیپس، در حراج هنر معاصر خود در ۲۷ ژوئن، ۱۹میلیون دلار فروخت که نسبت به ژوئن سال قبل به حدود نصف کاهش یافت. فروش سال گذشته برابر با ۲۶۱۳ میلیون دلار بود. بنابراین، حراج‌های مختلف در همه بخش‌ها وضع مناسبی نداشتند. در ساتبیز، وقتی سطح فروش هنر معاصر بالا رفت، و از ۱۳۰میلیون دلار به ۱۴۸میلیون دلار رسید، معلوم شد که تقاضا برای آثار فرانسس بیکن بیشتر از آنچه بود که در حراج ۲۰۰۸ در افت بازار رخ داد. از نظر الکس براسزیک، رییس دپارتمان هنر معاصر در لندن، این حراج را می‌توان جست‌وجو برای کیفیت دانست. کیفیت در بخش‌های مختلف، از اساتدان مدرن تا نسل جدید هنرمندان درواقع، به‌نظر می‌رسد هیچ‌گونه فقدان قدرت خرید بین‌المللی وجود ندارد، بلکه حراج‌ها با چالش ارایه آثار بزرگ در هر فصل مواجه هستند. خبرداران، از آثار کلکسیون‌های خصوصی استقبال می‌کنند، مثل گروه هفت‌تایی نقاشی‌های «پیکاسو» از کلکسیون استنلی استیگر. شش‌تای آثار تقریباً دوبرابر تخمین اولیه آن (۱۳میلیون دلار) به مبلغ ۹۸میلیون دلار فروخته شدند. از طرف دیگر، در این فصل برخی از آثار رانقیمت و پربها وارد معامله شدند که در تقابل با کلکسیون‌های خصوصی بودند. خانواده «نحمد» (Nahmad family) که از معامله‌کنندگان هنر هستند و کارهای امپرسیونیستی فراوانی دارند، هم در ساتبیز و هم در کریستیز آثار درخشانی عرضه کردند که در هر دو حراج با گزالتی‌های خوب همراه بود.



ملت بزرگ ایران طلوع ماه رمضان را در حالی جشن می گیرد که با دنیایی از امید و آرزو و با گام هایی استوار به سوی آینده ای روشن به پیش می رود.

به گفته رهبر معظم انقلاب این حماسه عظیم در پرتو هدایت دل های ملت و به لطف پروردگار بزرگ انجام شد و آرزوی خیرخواهان تحقق یافت. ما امیدواریم سرانجام تحریم های سخت و غیر منصفانه که بر ملت ما تحمیل شده است با راهنمایی های ایشان و با همت و خردمندی رئیس جمهور محترم و همکاران توانمندش از تمام گروه ها پایان یابد.

با توجه به شرایط اقتصادی دشوارتر، نیازمندان و مؤسسات نیکوکاری بیش از سالهای گذشته به همراهی و همدلی ما نیاز دارند. با حذف هزینه ها و سفرهای غیر ضروری و حتی به تأخیر انداختن حج غیر واجب خود، ما می توانیم نیازمندان بیشتری را همراهی کرده و بر سر سفره عشق فرا خوانیم.

آرمان گرایی یعنی آنچه برای دیگران می خواهیم از آنچه برای خود می خواهیم، ارزشمندتر و لذت بخش تر باشد چرا که شادی عمیق تری را در وجود خود احساس خواهیم کرد.

امسال هم شادی های خود را با نیازمندان قسمت کنیم و به خود قول بدهیم حداقل چند روز به همراه خانواده خود در یکی از مراکز نیکوکاری یا سازمان های حمایت از کودکان بی سرپرست، کودکان سرطانی، خانه سالمندان گریزک، مراکز ویژه نابینایان و یا آنجا که به قلمبان الهام می شود، به خدمتگزاری این افراد بپردازیم.

ما با روزه گرفتن بر خداوند و خلق وی منت نمی گذاریم تا با بدقلق، روزه خود را به رخ دیگران بکشیم و در انجام کار مردم قصور کنیم. این پروردگار بزرگ است که در ماه رمضان این فرصت را به ما داده است تا جسم و روح خود را صیقل دهیم و با دعوت نیازمندان به سفره عشق ، به او نزدیک تر شویم.

فراموش نکنیم که با هر کار نیکه که انجام می دهیم به خالق هستی نزدیکتر و با هر غفلت و خطا از او دورتر می شویم.

امسال پروردگار را در چشم نیازمندانی خواهیم دید که با آنها همراه شده ایم، در چشمان پیرزنی که بر سر سجاده نماز ما را به خاطر کمک در ساختن آسایشگاهش دعا می کند، در چهره مصوم یک کودک سرطانی که آرزوش را برآورده کرده ایم و برایش دوجره ای خریدی که فاصله منزل تا مدرسه را با درد کفتری یک کند.

همین امروز با یکی از مراکز نیکوکاری تماس بگیرید و از آنها بپرسید چگونه می توانید برای برطرف کردن فوری ترین نیازهایشان به آنان یاری رسانید.

